

هو الله

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد و لک الشکر علی ما انعمت و آتیت و والیت و اعطیت فاخترت عباداً مخلصین لک الدین بین العالمین و اختصاصتہم بالاعتباس من نورک المبین و الانجذاب الی جمالک المنیر و السلوک علی صراطک المستقیم ربّ انّ النفوس غافلة من ذکرک و القلوب محرومة عن حبّک و الأبصار محجوبة من ملکوت الجمال و العقول ذاهلة عن مرکز الجلال الا هؤلاء الذین ثبتوا علی الميثاق و ترکوا التفاق و اقتبسوا نور الاشرار و صمّوا عن التّعاق و قاموا علی خدمة امرک فی الآفاق و ترنّحوا من کأس دهاق و لهم الحظّ الأوفر و خیر خلاق من فیضک المنهمر و صیب سحابک المدرار و ینبوع الفضل و الجود التّابع بأشدّ انبثاق ربّ اجعلهم آیات الهدی و رایات العلی و کلمات التقوی و جیوش الملائة الأعلى و ملائكة السماء حتّی یتنوّر بهم شرق الأرض و غربها و ینتشر بهم ذکرک فی جنوبها و شمالها و یتربّی کلّ الوری فی هذه النّشأة الدّنیة بالأسماء الحسنی و المثل الأعلى ربّ ارفع بهم لواء الوحدة بین البشر و رایة المحبة بین الوری حتّی ترجع الکثرات الی مرکز الوحدة و الآیات و تنشّق حجابات البغضاء و تضمحلّ معالم الشّحناء و تزول الضّغينة و العدوان فی عالم الانسان و یرجعوا الی الوفاق بعد التفاق و یدلّوا البغضاء بالولاء و ینتهوا فی الخیبة و الشّقی و یرجوا الفوز و الفلاح و یرجعوا الی الجهر و الخفاء و یتبادروا الی الباقیات الصّالحات فی عالم الفلاح ربّ اشدّد ظهورهم علی خدمتک و قوّ ازورهم علی عبادتک و اشرح صدورهم بنور معرفتک و نور ابصارهم بمشاهدة طلعتک و ارح ارواحهم بمعانی موهبتک و طیب نفوسهم بمظاهر رأفتک انّک انت الکریم الرّحیم العزیز المعطی الوهاب لا اله الا انت الغفور العفّو الحفیّ الخفیّ اللطاف

ای یاران الهی سرور و شادمانی اهل وفا بخدمت عتبه علیاست و توجّه بملکوت ابهی آرزوی عاشقان جانفشانی و تمنای مشتاقان نثار جان و قربانی زیرا عشق خونریز است و شرانگیز و آئینه محبت الله شهادت کبری لهذا نفوس مقدّسه و مظاهر الهیه آرزوی فنا و وصول بمشهد فدا داشتند جانفشانی نمودند و نفی و آوارگی دیدند صدمات شدیده کشیدند اسیر سلاسل و زنجیر بودند هدف تیر شدند معرض شمشیر گردیدند ملال نیاوردند کلال نجستند جام فدا از دست ساقی عنایت نوشیدند و شهد فنا با نهایت مسرت کبری چشیدند آتی راحت نیافتند دمی نیاسودند معرض شماتت اعدا گشتند مورد ملامت اهل بغضا شدند خانمان خویش بیاد دادند بیسر و سامان شدند دقیقه‌ئی امان نیافتند و ساعتی کام دل و راحت جان نجستند این است برهان عاشق صادق و این است دلیل حبیب موافق اگر چنین نبود هر بیگانه آشنا بود و هر محروم محرم راز و هر بعید قریب و هر محجوب محبوب لهذا حکمت کبری اقتضا نمود که آتش امتحان شعله زند و سیل افتتان طغیان نماید تا صادق از کاذب ممتاز گردد و موافق از منافق افتراق یابد خودپرست از خداپرست جدا شود ثمره طیبه از ثمره خبیثه ممتاز گردد آیات نور باهر گردد و ظلام دیجور زائل شود بلبل وفا بسراید و غراب جفا سیرت خویش بنماید ارض طیبه انبات شود و ارض جزره خائب و خاسر ماند منجذب جمال ابهی ثابت گردد و تابع نفس و هوی ناقض شود این است حکمت بلایا این است سبب رزایا ای یاران الهی در این ایام نیریز خونریز گشت نفوس مقدّسه از یاران الهی جانبازی نمودند و در سبیل نور مبین بقربانگاه عشق شتافتند از اینجهت چشم گریان است و دل بریان آه و این باوج علّیین رسد و حزن شدید و ماتم جدید بنماید عبدالبهاء را نهایت آرزو چنان که جرعه‌ئی از این جام وفا نوشد و از باده فدا سرمست گردد و خاتمه حیات فاتحه اللطاف شود

ربّ انلنی تلك الکأس الطّافحة بالفیض العظیم و رتّحنی بتلك الصّهباء الفیض الجلیل و اطعمنی من تلك المائدة التّی لا ینذوقها الا کلّ عبد منیب و توجّنی بذلک الاکیل الجلیل و اجعل دمی مسفوحاً علی التّری و جسمی مصلوباً فی السّماء و جسدی متلاًشیاً علی الغبراء و عظامی مفتّنة من سهام القضاء انّک انت الکریم انّک انت العظیم انّک انت الرّحمن الرّحیم

ای یاران عبدالبهاء در این ایام بحسن القضاء و تأیید ربّ السموات العلی و توفیق ملکوت لایری هیکل مقدّس حضرت اعلی در جبل کرمل حیفا در مقام معلوم استقرار یافت لهذا قریانی لازم و جانفشانی واجب احبای نیریز از این جام لبریز سرمست شدند و بچوگان همّت گوی سبقت از این میدان ربودند هنیئاً لهم ثمّ مریئاً هذا القدح الممتلئ المترشح بصهباء محبّة الله و علیهم بهاء الله الأبهی شاید من بعد از اهل نقض و نفاق افترائی زند و کذب و بهتانی بر زبان رانند و گویند که هیکل مکرم را مقامی دیگر یا جزئی از اجزاء در موقعی دیگر یاران الهی بدانند که صرف بهتان است و کفر و نفاق و نفاق آن جسد مبارک مصلوب در کوه کرمل بتمامه استقرار یافت ولی اشرار آرام نگیرند یقین است بهتان زند و ادّعا نمایند که ما آن جسد مبارک را دربردیم یا نقل کردیم یا جزئی از اجزاء بدست آمد یا اجنه از دست ثابتین ربودند جمیع این اقوال کذب و بهتان است و آنچه حقیقت است بیان گردید و علیکم البهاء الأبهی ع ع

این سند از [کتابخانه منابع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دایرود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ اوت ۲۰۲۳، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر